

ماگاموشی

جزیره جوندگان جسور ۱۱



نفرین هَرَمِ پَنیری

نویسنده: جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز

مترجم: فریبا چاوشی

ماگاموشی

جزیره‌ی جوندگان جسور ۱۱

نفرین هرم پنیری



نویسنده: جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز

مترجم: فریبا چاوشی

Geronimo Stilton names, characters and related indicia are copyright, trademark and exclusive license of Atlantyca S.p.A. All Rights Reserved.
The moral right of the author has been asserted.

Text by Geronimo Stilton

Original cover by Larry Keys

Illustrations from ideas by Larry Keys; drawn by Giuseppe Facciotto and Daria Cerchi

Graphics by Merenguita Gingermouse and Topea Sha Sha, Zeppola Zap and Michela Battaglin.

© 2000 Edizioni Piemme S.p.A., Palazzo Mondadori - Via Mondadori, 1 - 20090 Segrate

© 2018 for this Work in Persian language, Houpa Publication

International Rights © Atlantyca S.p.A. - via Leopardi 8, 20123 Milano, Italia - foreignrights@atlantyca.it- www.atlantyca.com

Original title: IL MISTERO DELLA PIRAMIDE DI FORMAGGIO

Based on an original idea by Elisabetta Dami

Translation by: Fariba Chavoshi

www.geronimostilton.com

Stilton is the name of a famous English cheese. It is a registered trademark of the Stilton Cheese Makers' Association. For more information go to www.stiltoncheese.com

No part of this book may be stored, reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopying, recording, or by any information storage and retrieval system, without written permission from the copyright holder. For information address Atlantyca S.p.A.

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن، Atlantyca، خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده و ناشر خارجی، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.

اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت نویسنده‌ی آن این کار را کرده است.

سرشناسه: استیلتن، جرونیمو
Stilton, Geronimo

عنوان و نام پدیدآور: نفرین هرم پنیری / نویسنده جرونیمو استیلتن ؛ تصویرگر لری کیز؛ مترجم فریبا چاوشی.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۳۱ص: مصور(رنگی).

فروست: ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان جسور؛ ۱۱.

شابک: دوره: ۲-۸۶-۸۶۵۵-۹۷۸-۶۰۰-۲۵-۳؛ ۹۷۸-۶۰۰-۲۵-۳-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Il mistero della piramide di formaggio, c2001.

یادداشت: گروه سنی: ب، ج.

موضوع: داستان‌های ایتالیایی

موضوع: Italian Fiction

شناسه افزوده: کیز، لری، تصویرگر

شناسه افزوده: Keys, Lary

شناسه افزوده: چاوشی، فریبا، ۱۳۶۷ - مترجم

رده بندی دیویی: ۱۳۹۷ ن ۴۹۴ الف ۹۱۴/۵۸۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۸۵۴۷۱

ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان جسور ۱۱ نفرین هرم پنیری

نویسنده: جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز

مترجم: فریبا چاوشی

ویراستار: نسرین نوش امینی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: بهار یزدان‌سپاس

تایپوگرافی: ساتیا باجلان

ناظر چاپ: سینا برازوان

چاپ دوم: ۱۳۹۷

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۲-۸۶-۸۶۵۵-۹۷۸-۶۰۰-۲۵-۳

شابک: ۳-۲۵-۳-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵

تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

استفاده از بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.

www.hoopa.ir

info@hoopa.ir

تحریریهی روزنامهی
جریدهی چونندگان



در جزیره‌ی ماگاموشی کی چه کاره است؟



ته‌آ استیلتن

خواهر جرونیمو و خبرنگار ویژه‌ی جریده‌ی جوندگان



جرونیمو استیلتن

موش زیرک و خوش فکر، سردبیر جریده‌ی جوندگان



بنجامین استیلتن

موشچه‌ی نه‌ساله‌ی شیرین و دوست‌داشتنی، برادرزاده‌ی تودل‌بروی جرونیمو



تراپولا استیلتن

یک موش دلفک و بی‌نمک، پسرعموی جرونیمو و صاحب مغازه‌ی خرت‌وپرت‌فروشی

دوستان موش‌موشی عزیزم!
به دنیای **جرونیمو استیلتن** خوش آمدید!



امیدوارم شانس بیاری!

خیلی هیجان زده بودم. آخر، مگر یک موش توی زندگی اش چند بار قرار است جزیره اش را به مقصد **مصیر** ترک کند؟ توی فرودگاه بلیتم را روی پیشخان گذاشتم و از یکی از کارمندان فرودگاه پرسیدم: «ببخشید، بخش پذیرش آژانس هواپیمایی الف.کاف کجاست؟»

کارمند نگاهی سرشار از دلسوزی بهم انداخت.

گفت: «آژانس هواپیمایی الف.کاف؟ منظور **آژانس ارزان کثیفه؟**» به یک جعبه اشاره کرد. وقتی راه افتادم بروم سمت جعبه، گفت: «امیدوارم شانس بیاری!»

شانس بیاوری؟؟؟ پیش خودم فکر کردم این حرف یعنی چه؟

پشت جعبه یک خانم موش چاق و چله با **سیبیل های** چرب ایستاده بود. با سوءظن نگاهم کرد.

«مطمئن می‌خواهی سوار این هواپیما بشی؟»



پرخاش کرد بهم که: «مطمئنی می‌خوای سوار این هواپیما

بشی؟... لحظه‌ی آخر که قرار نیست بزنی به چاک؟ ها؟»

پلک زدم و سردرگم پرسیدم: «چرا باید بزمنم به چاک؟»

همان لحظه یک موش با قیافه‌ی مشکوکی آمد طرفم. با جیرجیری

آهنگین گفت: «سلام دوست پشمالوی من!» خم شد جلو و محکم

باهام پنجه داد: «من **سامی از آب گل آلود ماهی گیرم**.

ولی اگه دوست داری ماهی گیر خالی صدام کن.»

لرزیدم و پنجه‌ام را نگاه کردم، مبادا شکسته باشد. نیش ماهی گیر

تا بناگوش باز شد و گفت:

«اومدم اینجا که بهت

بیمه‌ی عمر رو پیشنهاد

کنم. هیچ فکر کردی

ممکنه هواپیما تون سر

راه



سامی از آب گل آلود ماهی گیر

سقوط کنه؟



رنگم **پیرید**. قلبم به سرعت قلب ماریو موشتی دونده،

شروع کرد تاپ تاپ کردن. زیر لب گفتیم: «اِهم، خب، دوست

ندارم به همچین چیزی فکر کنم.»

مؤدبانه سر تکان داد و با لحن **ملایمی** گفت: «می‌فهمم...

ولی خب. باید فکر کنی. می‌خوام بگم که... این هواپیماها یه

لحظه توی آسمونن، یه لحظه روی زمین. از کجا معلوم که... اصلاً

می‌دونی هر سال چند تا هواپیما سقوط می‌کنن؟»

آب دهانم را قورت دادم. دوست نداشتم بدانم.

ماهی گیر حرفش را ادامه داد: «فکرش رو بکن. اگه بیمه‌ی

عمر داشته باشی، بعد از مرگت، یه کسی هست که از

خونواده‌ت مراقبت کنه. یالا! بیا اینجا رو امضا کن و

خیال خودت و من رو راحت کن.» یک تکه کاغذ را زیر پوزه‌ام

تکان تکان داد.

فکر کردم: «عجب موش سیریشیه!» ولی

بعد یک دفعه قلبم **گرومپی** ریخت پایین.

راستی راستی اگر من **می‌مردم**، چه

به سر بنجامین کوچولویم می‌آمد؟

سر بنجامین کوچولویم می‌آید؟



واپنیرا به حال من!

همان طور که سیبیل‌هایم را می‌جویدم، راه افتادم که هواپیما را پیدا کنم.

تابلوی کوچکی به دیوار چسبانده بودند که رویش نوشته بود: «**ارزان‌کثیف**، پروازهای خارجی». انگار یک موش با گچ تندوتند نوشته بودش و رفته بود. پیچیدم توی یک راهروی تاریک. هواپیما آخر راهرو منتظرم بود. وقتی دیدمش، عرق سردی روی پشتم نشست و موهایم سیخ شد.

واپنیرا به حال من!!!

پدر بزرگ ویلیام از بیخ، قید خرج و مخارج اضافی را زده بود! هواپیما خیلی **درب و دامنار** بود. به نظر نمی‌آمد حتی تا آخر باند فرودگاه هم دوام بیاورد.



آینده‌اش چی می‌شد؟ یعنی مجبور می‌شد جای دانشگاه رفتن، گوشه‌ی خیابان بساط کند و پنیر کپک‌زده گدایی کند؟ شاید بیمه‌ی عمرشدهن آن قدرها هم فکر بدی نبود.

خودکارم را درآوردم. ولی قبل اینکه امضا کنم، ماهی‌گیر پنجه‌اش را گرفت بالا و پرسید: «فقط قبل اینکه قرارداد ببندیم، یه سؤال کوچولو داشتم... تو که با پرواز **آژانس ارزان‌کثیف** نمی‌ری، می‌ری؟»

پلک زدم و جواب دادم: «اِهم، اوم، خب، آره، راستش می‌رم. چطور مگه؟» ماهی‌گیر به سرعت برق و باد کاغذ قرارداد را از پنجه‌ام کشید بیرون.

جیر کرد: «خب پس. ولش کن... من نمی‌تونم مسافرهای این آژانس رو بیمه کنم. بدترین آژانس هواپیماییه!»



خیلی خیلی خطرناکه!

یک دفعه انگار پنیر توی دلم رنده کنند، دل‌وروده‌ام پیچید به هم. آه! عجب روزی!



«کسی نمی‌خواهد چتر نجات بخره؟»

واینرا به حال من!



وقتی نزدیک می‌شدم، یک موش مکانیک را دیدم که با چکش روی یکی از بال‌های هواپیما می‌کوبید. غرغر کرد: «این هم از این! شاید این دفعه دیگه سقوط نکنیم!»

چمدانم را محکم چنگ زدم و از پلکان هواپیما بالا رفتم. یک مهمان‌دار خپل بلیتم را گرفت.

گفت: «شما توی بخش **دریای لیبست و هفتست** هستین. فکر کنم **از بیخ، قید خرج و مخارج اضافی رو زدین،** هان؟»

من را برد طرف صندلی شماره‌ی ۱۷. یک صندلی کوچکی درب‌وداغانِ تق‌ولق که به جای کمربند ایمنی یک تکه طناب داشت! زور زدم جیر نکشتم. ولی عرق سردی که روی کمرم نشسته بود، تبدیل به دوش آب یخ شد!

با احتیاط نشستیم. بعد کمربند طنابی‌ام را با دو تا گره بستم دور خودم. آه! چطوری خودم را به همچین **دردسری** انداخته بودم؟ آن وسط، مهمان‌دار خپل از بلندگو اعلام کرد: «کسی نمی‌خواهد چتر نجات بخره؟ این آخرین فرصته! یا بخرین یا پیرین!»

ساختمان روزنامه‌ی
جریده‌ی جوندگان



- ۱- سرسرا
- ۲- چاپخانه (جایی که کتاب‌ها و روزنامه‌ها چاپ می‌شوند).
- ۳- بخش حسابداری
- ۴- سالن تحریر (جایی که نویسندگان، تصویرگران و طراحان کار می‌کنند).
- ۵- دفتر جر و نیمو استیلتن
- ۶- آشیانه‌ی چرخ‌بال

درباره‌ی نویسنده:

متولد نیوموش سیتی، ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان
جسور. جر و نیمو استیلتن دانش‌آموخته‌ی ادبیات
موش محورانه و فلسفه‌ی نوموشی تطبیقی است.
در بیست سال گذشته سردبیر جریده‌ی جوندگان،
پُرتیراژترین روزنامه‌ی نیوموش سیتی بوده.

استیلتن به خاطر دو تا از کتاب‌هایش، «نفرین هرَم
پنیری» و «در جست‌وجوی گنج غرق‌شده» برنده‌ی
جایزه موشیتزر شد. همچنین جایزه‌ی بهترین
شخصیت اندرسون سال ۲۰۰۰ را به خود اختصاص داد.
یکی از کتاب‌های پُرفروشش هم موفق به دریافت
جایزه‌ی بهترین کتاب الکترونیکی جهان در ای‌بوک
۲۰۰۲ شد و کارهایش در سرتاسر جهان به چاپ
رسیده است.

آقای استیلتن در اوقات فراغتش پوسته‌ی پنیر عتیقه
جمع می‌کند و گلف بازی می‌کند. ولی بیشتر از هر
چیزی از قصه‌گفتن برای برادرزاده‌اش، بنجامین،
لذت می‌برد.



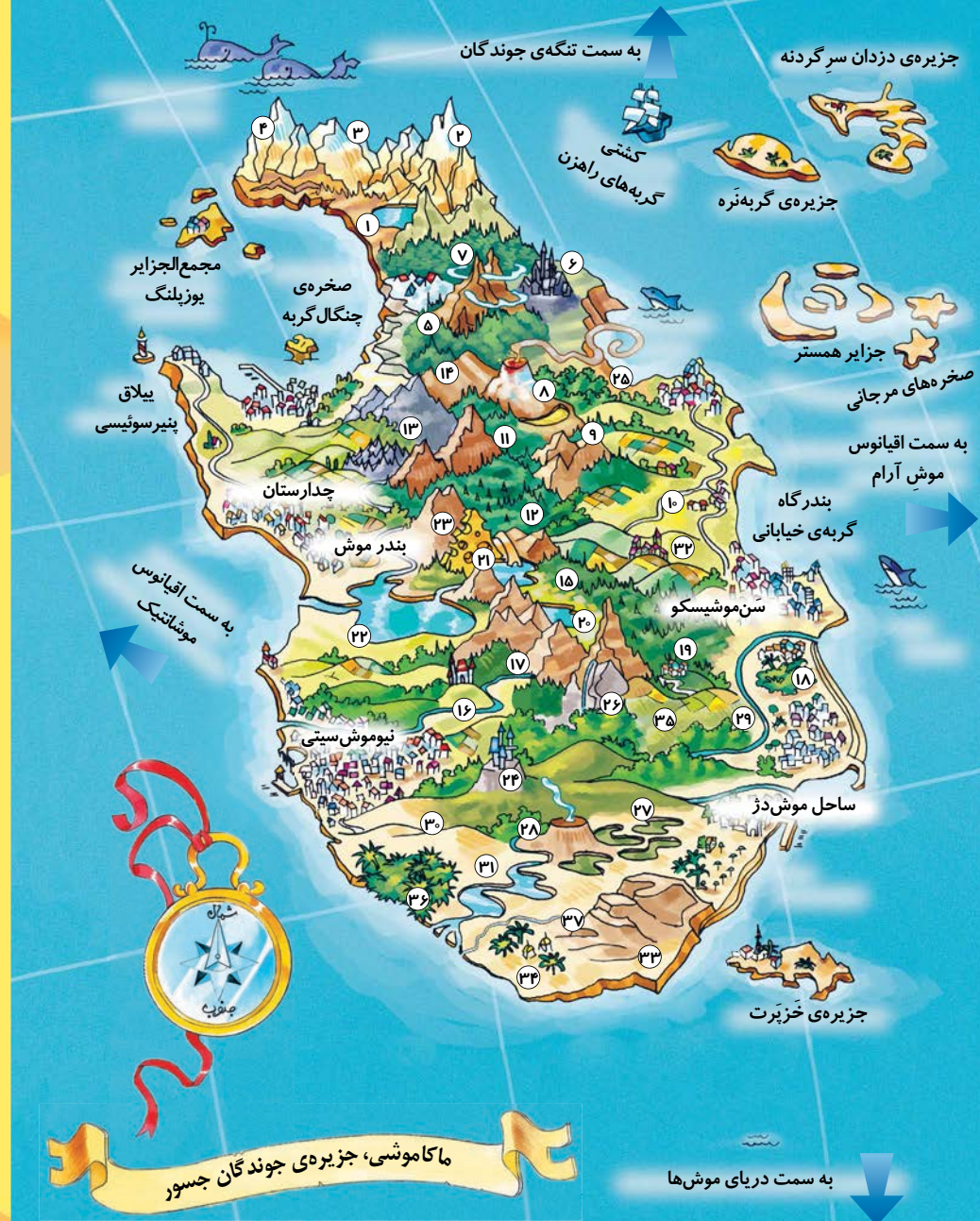
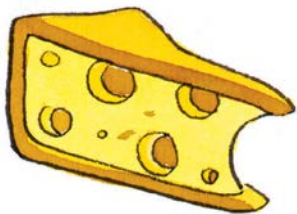
نقشه‌ی نیوموش سیتی

- | | |
|--|------------------------------|
| ۱- شهرک صنعتی | ۲۴- دفتر روزنامه‌ی موش امروز |
| ۲- کارخانه‌های پنیرسازی | ۲۵- دفتر جریده‌ی چوندگان |
| ۳- فرودگاه بین‌المللی هواپیموش | ۲۶- خانه‌ی تراپولا |
| ۴- ایستگاه رادیویی و تلویزیونی گوش موش | ۲۷- مرکز طراحان لباس |
| ۵- بازار پنیر | ۲۸- رستوران موش کلبه |
| ۶- بازار ماهی | ۲۹- مرکز حفاظت از محیط زیست |
| ۷- شهرداری | ۳۰- اداره‌ی بندر و دریانوردی |
| ۸- قلعه‌ی آخ و تَف | ۳۱- میدان ملکه‌موش |
| ۹- هفت تپه‌ی ماکاموشی | ۳۲- زمین گُلَف |
| ۱۰- ایستگاه قطار نیوموش سیتی | ۳۳- استخر |
| ۱۱- مرکز خرید | ۳۴- زمین تنیس چمنزار خِجَل |
| ۱۲- سینما | ۳۵- شهربازی خَزَفَرِفری |
| ۱۳- باشگاه ورزشی | ۳۶- خانه‌ی جرونیمو |
| ۱۴- تماشاخانه‌ی گربه‌برفی | ۳۷- بافت تاریخی |
| ۱۵- میدان سنگ آوازه‌خوان | ۳۸- کتابخانه‌ی عمومی |
| ۱۶- سالن گودا | ۳۹- کارگاه کشتی‌سازی |
| ۱۷- هتل پنج‌ستاره | ۴۰- خانه‌ی ته‌آ |
| ۱۸- بیمارستان دولتی موش‌ها | ۴۱- لنگرگاه نیوموش سیتی |
| ۱۹- باغ گیاه‌شناسی | ۴۲- فانوس دریایی مهپاره |
| ۲۰- خَرَت‌وِپَرَتِ فروشی تراپولا | ۴۳- مجسمه‌ی آزادی |
| ۲۱- پارکینگ | ۴۴- دفتر هرکول موش آرو |
| ۲۲- موزه‌ی هنرهای معاصر | ۴۵- خانه‌ی پتونیا زیباپنجه |
| ۲۳- دانشگاه و کتابخانه | ۴۶- خانه‌ی بابابزرگ ویلیام |



نقشه‌ی ماکاموشی

- | | |
|---------------------------|-----------------------------|
| ۲۲- دریاچه | ۱- دریاچه‌ی یخِ گول پیکر |
| ۲۳- پرتگاه چدار | ۲- قلعه‌ی خَزِ یخ‌زده |
| ۲۴- قلعه‌ی والاگره | ۳- یخچال لیزان لغزان |
| ۲۵- دره‌ی کاج‌های غول‌آسا | ۴- قلعه‌ی مورمور |
| ۲۶- چشمه‌سار چدار | ۵- پیست اسکی |
| ۲۷- باتلاق گوگردی | ۶- سرزمین موش‌های خون‌آشام |
| ۲۸- چشمه‌ی آب گرم قدیمی | ۷- کوه خون‌آشام |
| ۲۹- آبراه موش صحرائی | ۸- آتشفشان جزغاله‌موش |
| ۳۰- تنگ‌دره‌ی مچنون‌موش | ۹- دریاچه‌ی گوگرد |
| ۳۱- مرداب پشه‌کوره | ۱۰- گذرگاه پی‌پی‌گره |
| ۳۲- کوهستان هیولا | ۱۱- قلعه‌ی بوگندو |
| ۳۳- صحرائ موشاها | ۱۲- جنگل سیاه |
| ۳۴- آبادی شترخسته | ۱۳- دره‌ی خون‌آشامان مغرور |
| ۳۵- تپه‌ی کله‌کلم | ۱۴- گردنه‌ی ترس‌ولرز |
| ۳۶- جنگل تله‌موش | ۱۵- گذرگاه سایه |
| ۳۷- پشه‌آباد | ۱۶- قلعه‌ی ناخن‌خشک |
| | ۱۷- پارک حفاظت‌شده |
| | ۱۸- گردشگاه ساحلی لاس‌موشاس |
| | ۱۹- جنگل فسیل |
| | ۲۰- دریاچه‌چه‌چه |
| | ۲۱- دریاچه‌چه |





هوپا
Hoopa

مجموعه کتاب‌های ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان جسور



دوستان موش موشی عزیزم!
منون که این کتاب را خواندید. تا کتاب بعدی شما
را به خدا می‌سپارم.
به زودی با یک ماجراجویی سیبیل چسب و هیجان انگیز
دیگر به سراغتان می‌آیم. قول می‌دهم!

جرونیو استیلتن

عجیبه که آدمیزاد
کتاب هاش رو نمی خوره!



هوپا، ناشر کتاب های خوردنی